



120E

کد کنترل

120

E

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

 <p>«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.» امام خمینی (ره)</p> <p>جمهوری اسلامی ایران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سازمان سنجش آموزش کشور</p>	<p>صبح جمعه ۱۳۹۶/۱۲/۴ دفترچه شماره (۱)</p>			
<p>آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۷</p> <p>رشته ادیان و عرفان (کد ۲۱۳۱)</p>				
<p>مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه</p>	<p>تعداد سؤال: ۹۰</p>			
<p>عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات</p>				
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی - ادیان و عرفان	۹۰	۱	۹۰
<p>این آزمون نمره منفی دارد.</p>		<p>استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.</p>		
<p>حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر عقوبات رفتار می‌شود.</p>				

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب (۱ - ۱۰)

- ۱- ﴿ و لا تقف ما ليس لك به علم، إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً ﴾:
- (۱) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و بطور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!
- (۲) بر آنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب تو جمعاً در مورد آن سؤال خواهند شد!
- (۳) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل در مورد آن پاسخگو می‌باشند!
- (۴) بر چیزی که نمی‌دانی توقف مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب همگی مسؤول آن خواهند بود!
- ۲- « إن أقعد أحداً منكم الكبر عن مكسبه و لقاء إخوانه، فزوروه و عظموه و استظهروا بفضل تجربته! »:
- (۱) اگر کسی از بین شما بخاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنید!
- (۲) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شد، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنید!
- (۳) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیرید!
- (۴) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و بخاطر تجربه عظیمش یاریش کنید!

۳- « أَعْوَابٌ وَصَلِيٌّ، كَانَتْ يَنْسِي طَوْلَهَا نَكَرَ النَّوِيُّ، فَكَأَنَّهَا أَيَّامٌ! »:

- ۱) سالهای وصلی که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سالها روزهایی بیش نبودند!
- ۲) یاد لحظه‌های فراق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سالها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!
- ۳) بخاطر آوردن جدایی طول مدت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سالها طی چند روز اتفاق افتاده است!
- ۴) سالهای وصل را بخاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سالها مدت طولانی را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

۴- « وَ نُكْرِمُ جَارِنَا مَادَامَ فِينَا وَ نُتْبِعُهُ الْكِرَامَةَ حَيْثُ مَا لَانَا! »:

- ۱) همسایه خود را مادام که بین ما است اکرامش می‌کنیم، و هر کجا برود کرامت خویش را به دنبال او روانه می‌سازیم!
- ۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم، و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!
- ۳) هر کس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمت خود قرار می‌دهیم، و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!
- ۴) آن کس را که در جوار ما بسر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم، و چون به سمتی روانه شود با اکرام به دنبال او می‌رویم!

۵- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهَالًا وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا،: من از گروهی که نادان زیست می‌کنند و گمراه می‌میرند، به الله شکایت می‌کنم،
- ۲) لَيْسَ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَبُورٍ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا ثَلَّى حَقَّ تِلَاوَتِهِ،: نزد آنان کالایی بی‌رونق‌تر از قرآن نیست هرگاه آنطور که شایسته آن است تلاوت گردد،
- ۳) وَ لَا سَلْعَةٌ أَعْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ،: و نه کالایی گران‌بهارتر از قرآن است هرگاه از مواضع خود تحریف گردد،
- ۴) وَ لَا عِنْدَهُمْ أَنْكَرٌ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفٌ مِنَ الْمُنْكَرِ!،: و منکرتر از امر به معروف نزد آنان نیست و جز منکر از آنان نمی‌شناسم!

۶- « وَ مَا كُنْتُ مَعْنَى أَدْرِكُ الْمَلِكَ بِالْمَعْنَى وَ لَكِنْ بِأَيَّامِ أَشْبِنِ النَّوَاصِيَا! ». عَيْنُ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ النَّبِيِّ:

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) ای مسیح خوش نفس چونی ز رنج | که نبود اندر جهان بی رنج گنج! |
| ۲) عمر بگذشت و ندیدیم به خود روزبهی | تا به کی ای فلک، این دور مکرر دیدن! |
| ۳) موی سپید را فلکم به رایگان نداد | این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام! |
| ۴) خواب نوشین بامداد رحیل | باز دارد پیاده را ز سبیل! |

۷- « إن كان لا يُغنيك ما يكفيك فكل ما في الأرض لا يُغنيك! ». عَيْن ما لایناسب مفهوم البيت:

- (۱) گدا را کند یک درم سیم سیر
 (۲) گفت چشم تنگ دنیا دوست را
 (۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست
 (۴) روده تنگ به یک نان جوین پر گردد
- فَرِيدُونَ بِهِ مَلِكٌ عَجْمٌ، نِيَمٌ سِيرًا!
 يَا قِنَاعَتِ پَر كَنْدِ يَا خَاكِ گُورَا!
 أَنَكْهَ أَن دَادَ بِهِ شَاهَانَ، بِهِ گُدَايَانَ اَيْنِ دَادَا!
 نَعْمَتِ رُويِ زَمِينِ پَر نَكَنْدِ دِيدَةُ تَنگَا!

۸- « گرسنگی و قحطی نمی توانند بر جنگجوی شجاع چیره گردند و او را از مبارزه بازدارند. کما اینکه گرمای سوزان نمی تواند بر گیاهان صحرايي تأثیر کنند! ». عَيْن الصحيح:

(۱) لا يمكن للجوع و المجاعة التغلب على المكافح الباسل و تمنعه من النضال، كما أن شدة الحر لا تؤثر على الأشجار الصحراوية!

(۲) إن الجوع و الجذب لا يمكن لها الغلبة على كل محارب شجاع و تمنعه عن المحاربة، كما أن حمارة القيط لا يمكن له التأثير على النباتات البرية!

(۳) إن المجاعة والجوع لا يستطيعان أن تغلب المناضل الباسل و تشغلانه عن المحاربة، كما أن شدة الحرارة لا يمكن أن تتأثر بالأشجار الصحراوية!

(۴) لا يستطيع الجوع و المجاعة أن يتغلبا على المناضل الشجاع و يشغلاه عن المناضلة، كما أن حمارة القيط لا تستطيع أن تؤثر على النباتات البرية!

۹- « زنهاری از اینکه در بین مردم چون حیلله گران زندگی کنیدی و در بین مسلمین تفرقه بیفکنیدی! »: عَيْن الخطأ:

(۱) إِيَاكُمْ و المعيشة بين الناس كعيش الماكرين، و أن تفرقوا بين المسلمين!

(۲) إِيَاكُمْ إِيَاكُمْ أن تعيشوا بين الناس عيشة الماكرين و تشقوا عصا المسلمين!

(۳) حذار من العيش بين الأنام كما يعيشه المحتالين و أن لا تشقوا عصا المسلمين!

(۴) أحرصكم من أن تعيشوا بين الأنام عيش المحتالين و أن تبتوا الفرقة بين المسلمين!

۱۰- « برخی از صنایع ادبی در ضرب المثلهاى عربى نفوذ کرده بود، اما در تمام آنها عمومیت نداشت، بلکه بسیاری از این ضرب المثلها خالی از هر نوع فن و بیانی بود، زیرا ضرب المثلها عادتاً در زبان محاوره رایج است! ». عَيْن الصحيح:

(۱) كانت قد تسربت الأمثال العربية في المجتمع العربي دون بعضه، و الأمثال الأدبية هذه كثيراً ما كانت خالية عن الفن و البيان، و كانت تسود في لغة التحوار كالعادة!

(۲) بعض الصنائع الأدبية كانت قد تسربت في الأمثال العربية، و لكنها لا تعم كلها، بل كثير من هذه الأمثال كانت مغسولة من كل فن و بيان، لأن الأمثال تجري في لغة التخاطب عادة!

(۳) من الصنائع الأدبية ما كانت تنفذ في الأمثال العربية، و لكن لا تشمل كل ذلك، بل كثيراً ما كانت الأمثال تضرب دون أي فن و بيان، لأن الأمثال هذه جارية في لغة الحوار كالعادة!

(۴) كانت الصنائع الأدبية تدخل في أمثال اللغة العربية، و لكنها لا توجد في كلها، بل الأمثال العربية كانت تخلو من الفن و البيان كثيراً، و عامة الناس تستفيد منها في لغتها الدارجة عادة!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (١١-١٣)

١١- عین الصحيح:

- (١) إِنَّمَا مِنْ عِلْمَاتِ الْفِقْهِ الْجِلْمِ وَالصَّمْتِ!
- (٢) النَّوَاضِعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ!
- (٣) مَنْ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ رُضِيَ بِهِ حَكْمًا بَعْدَهُ وَلَا شَكَّ فِيهِ!
- (٤) الْعَامِلُ عَنْ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ، لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا الْبُعْدَ!

١٢- عین الخطأ:

- (١) مِمَّا لَا شَكَّ فِيهِ أَنَّ حَمَلَةَ الْعِلْمِ فِي الْمِلَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ كَانَ أَكْثَرُهُمُ الْعَجَمُ،
- (٢) وَالسَّبَبُ فِي ذَلِكَ أَنَّ الْمِلَّةَ فِي أَوَّلِهَا لَمْ يَكُنْ فِيهَا عِلْمٌ وَ لَا صِنَاعَةٌ لِمُقْتَضَى أَحْوَالِ السَّدَاجَةِ وَ الْبِدَاوَةِ،
- (٣) وَ إِنَّمَا أَحْكَامُ الشَّرِيعَةِ الَّتِي هِيَ أَوْامِرُ اللَّهِ وَ نَوَاهِيهِ كَانَ الرِّجَالُ يُنْقَلُونَهَا فِي صُدُورِهِمْ،
- (٤) وَ قَدْ عَرَفُوا مَأْخِذَهَا مِنَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ بِمَا تَلَفَّوهُ مِنْ صَاحِبِ الشَّرْعِ وَ أَصْحَابِهِ!

١٣- عین الخطأ:

- (١) إِنَّ الَّذِينَ لَمْ يَهْنَهُمُ الْخُبُّ أَجْنَحَةٌ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَطِيرُوا إِلَى مَاوَرَاءِ الْغُيُومِ،
- (٢) لَيَزِرُوا ذَلِكَ الْعَالَمَ لَسْحَرِيٍّ الَّذِي طَافَتْ فِيهِ رُوحِي فِي تِلْكَ السَّاعَةِ الْمُحْزِنَةِ،
- (٣) إِنَّ الَّذِينَ لَمْ يَتَّخِذْهُمْ الْخُبُّ أَتْبَاعًا لَا يَسْمَعُونَ الْخُبُّ مَتَكَلِّمًا،
- (٤) فَهَمْ وَ إِنْ فَهَمُوا مَعَانِي هَذِهِ الصَّفَحَاتِ الضَّنْيِيَّةِ لَا يُمَكِّنُهُمْ أَنْ يَزُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ!

■ ■ عین الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفي (١٤ - ١٨)

١٤- ﴿ ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم و أهلها غافلون ﴾:

- (١) أن: مخففة «أن» المشبهة بالفعل، اسمها ضمير الشأن، و الجملة اسمية و خبر للمبتدأ «ذلك»
- (٢) أهل: اسم جمع، و مرفوع على الابتداء، و الجملة اسمية و حالية، و صاحب الحال «مهلك» و الرابط ضمير «ها»
- (٣) يكن: فعل مضارع و مجزوم بحرف لم، و علامة جزمه حذف حرف العلة؛ من الأفعال الناقصة و اسمه «رب»
- (٤) القرى: جمع تكسير (مفردة: قرية، مؤنث)، مضاف إليه و مجرور محلاً في اللفظ، و في المعنى نائب فاعل لشبه الفعل «مهلك»

- ۱۵- ﴿ و كَأَيْنَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدَّ قُوَّةَ مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴾. عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْجَمَلَتَيْنِ «هِيَ أَشَدُّ» وَ «أَهْلَكْنَاهُمْ»:
- ۱) نعت للمنوع «قرية» / خبر للمبتدأ «كأين»
 - ۲) خبر للمبتدأ «كأين» / خبر بعد خبر للمبتدأ «كأين»
 - ۳) حال لذي الحال «قرية» / صلة ثانية للموصول «التي»
 - ۴) حال لصاحب الحال «قرية» / مستأنفة لا محل لها من الإعراب
- ۱۶- ﴿ أَتَوْنِي زِيرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدْفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا ﴾. عَيْنَ الصَّحِيحِ:
- ۱) ساوى: فعل ماضٍ من باب مفاعلة و لفيف مقرون، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية و في محل نصب على الظرفية!
 - ۲) أتوا (الأولى): فعل أمر من المجزء الثلاثي، معتل و ناقص (إعلاله بالحذف)، و مبني على حذف نون الإعراب
 - ۳) قطراً: متنازع عليه، و هو إما مفعول ثانٍ لفعل «أتوا» أو مفعول لفعل «أفرغ» و العامل الآخر مستغن عن المعمول
 - ۴) أفرغ: متنازع عليه، مجزء ثلاثي و جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط محذوف مع أداته
- ۱۷- « ما ملوم المتأني» و «ما مشكورون البخلاء». عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَتَيْنِ «المتأني» و «مشكورون»:
- ۱) صفة مشبهة على وزن اسم الفاعل، مبتدأ مؤخر و مرفوع بضمّة ظاهرة / اسم «ما» شبيهه بليس و مرفوع بالواو
 - ۲) اسم فاعل و مصدره «تأني» و نائب فاعل لشبهه الفعل «ملوم» / اسم مفعول و خبر مقدّم و مرفوع بالواو
 - ۳) فاعل لشبهه الفعل «ملوم» و مرفوع بضمّة مقترنة / صفة مشبهة و هو «فعل» بمعنى مفعول، و مبتدأ و مرفوع
 - ۴) مشتق و اسم فاعل و مصدره «تأن» و مرفوع بضمّة مقترنة / مشتق و اسم مفعول و شبه الفعل و فاعله «البخلاء»
- ۱۸- « عليكم بالتواصل و التبادل، و إياكم و التداير و التقاطع!». عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ إِعْرَابِ «عليكم» و «إياكم»:
- ۱) شبه جملة و خبر مقدّم وجوباً / محذّر منه و مبتدأ و مرفوع محلاً
 - ۲) جار و مجرور و محذّر منه / اسم فعل مرتجل و فاعله ضمير «كم» البارز
 - ۳) اسم فعل منقول من الجار و المجرور / مفعول به لفعل محذوف من باب التحذير
 - ۴) مفعول به لفعل محذوف من باب الإغراء / محوّل من الضمير المتصل لتعدّر تفرّده

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٩-٣٠)

١٩- عین الخطأ عن صيغة الأسماء التي أشير إليها بخط:

- (١) ﴿ قالوا معذرة إلى ربكم ﴾ (مصدر ميمي)
 - (٢) سَبَّحَ اللهُ تَسْبِيحًا (اسم النوع أو الهيئة)
 - (٣) ﴿ يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية ﴾ (مصدر صناعي)
 - (٤) أطلب الإجابة عند اقشعرار الجلد و عند إفاضة العبرة! (مصدر رباعي مزيد)
- ٢٠- عین ما فيه لام الجحود:

- (١) جُد في حياتك لتسود الآخرين!
- (٢) و ما كان الله ليطلع عباده على الغيب!
- (٣) و من يحتقر بنزًا ليصرع واحدًا سيصرع يومًا بالذي هو حافر!
- (٤) نبي يرى ما لا ترون و ذكره أغار لعمرى في البلاد و أنجدا!

٢١- عین اسم الفعل بمعنى الأمر:

- (١) مه، ما هذا الفضول!
- (٢) هيهات الذلة منّا!
- (٣) يخ لك على هذا التقدم!
- (٤) شتان ما بين المجتهد و الكسلان!

٢٢- عین الصحيح عن المصغر للأسماء التالية: بنت، اسم، كتاب، سوداء:

- (١) بنيت، اسيم، كتيت، سويدا
- (٢) بنيت، اسيم، كتيت، سويدا
- (٣) بنية، سمى، كتيت، سويدا
- (٤) بنية، سمى، كتيت، سويدا

٢٣- عین ما ليس فيه حرف جر زائد:

- (١) ﴿ ليس الله بأحكم الحاكمين ﴾
- (٢) ﴿ و ما الله بغافل عما تعملون ﴾
- (٣) ﴿ ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت ﴾
- (٤) ﴿ كتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور ﴾

٢٤- عین ما لم يتقدم الخبر وجوبًا:

- (١) أين أخوك، ما رأيته منذ مدة!
- (٢) ما ناجح إلا الصادق في أعماله!
- (٣) أ طالبة في الصف أم طالب!
- (٤) إنما شجاع من يحارب شيطان نفسه!

٢٥- عین الخطأ (في العدد):

- (١) إنه أتى لنا بمائة دليل و نيف ليثبت مدعاه!
- (٢) له ست و نيف من المقالات العلمية البارعة!
- (٣) يدرس في كليتنا ألف و نيف من الطلبة و الطالبات!
- (٤) كان يطالبنا من الأجرة تسعين و نيفًا من التومانات!

۲۶- عین حرف «لا» لیست لنفی الجنس:

- (۱) لا عمل خیر ضائع و لا عمل سوء رابح!
 (۲) لا مهملاً واجباته ناجح!
 (۳) لا فی الصفّ معلّم و لا طالب!
 (۴) لا ضدّین مجتمعان!

۲۷- عین الخطأ نحوياً:

- (۱) کفی بالمرء خیائنةً أن یكون آمیناً للخونة!
 (۲) کُلُّ إناء ینضح بما فیہ!
 (۳) من أراد البقاء لیوطن نفسه علی المصائب!
 (۴) الوضیع من وضع نفسه!

۲۸- عین العبارة التي جاء فیها المفعول المطلق مرتین:

- (۱) جلست علی الكرسيّ جلوساً صحیحاً!
 (۲) کتبت کتاباً لم یکتب أحد مثله!
 (۳) علمته الدرس مرتین اثنتین!
 (۴) مشیت مشياً لا یمشیه أحد!

۲۹- عین الصحیح فی المفعول لأجله:

- (۱) علی المؤمن أن لا یکدّ فی حیاته ادخاراً للمال فقط!
 (۲) إنّها طالعت هذه المقالة و جمعت آراء کاتبها إفادة منه!
 (۳) قمنا بإقامة الحصون حولنا إحاطة العدو اللدود بنا!
 (۴) یبجلّ الناس الإنسان الصادق حباً لصدقه فی العمل!

۳۰- عین الخطأ فی إعراب المستثنی:

- (۱) ما نجح من طالبات صفّنا إلا عشرين منهن!
 (۲) لم یبق فی الصفّ إلا خمسة و عشرين من الطلّبة!
 (۳) لن یفوز فی السباق إلا هؤلاء المتأبرون فی التدريب!
 (۴) لم یفز فی سباق العام الماضي إلا المتأبرون و المتأبرات!

۳۱- کدام مطلب در مورد «دئیسم (Deism)»، درست است؟

- (۱) با مکاشفه، می‌توان خدا را شناخت.
 (۲) با عقل، می‌توان خدا را شناخت.
 (۳) خدا، پس از آفرینش در آن دخالت دارد.
 (۴) خدا، پیامبرانی برای هدایت انسان‌ها مبعوث گردانیده است.

۳۲- چرا آلبرخت ریچل، معتقد است که رستگاری مسیحی، تنها در جمع مشارکتی کلیسا ممکن است؟

- (۱) چون کلیسا، بدن مسیح است.
 (۲) چون کلیسا، واسطه میان خدا و انسان است.
 (۳) چون مسیحیت تنها می‌تواند در جامعه‌ای زنده، تجربه شود.
 (۴) چون آموزه‌های الهیاتی، تنها از طریق کلیسا منتقل می‌شود.

- ۳۳- ملاک «شلاير ماخر» برای بررسی الهیات، چیست؟
 (۱) همخوانی آن با سنت مسیحی
 (۲) همخوانی آن با آموزه‌های عهد جدید
 (۳) همخوانی آن با تجربه ثبت شده در کتاب مقدس
 (۴) همخوانی آن با تجربه ثبت شده در عهد جدید
- ۳۴- کدام جریان، خود را واسطه میان سنت‌گرایی مسیحی و نفی کل مسیحیت می‌داند؟
 (۱) الهیات امید
 (۲) الهیات جدید
 (۳) پروتستان لیبرال
 (۴) پروتستان راست دینی جدید
- ۳۵- آوگوستین، رابطه عهد قدیم و عهد جدید را چگونه می‌داند؟
 (۱) عهد جدید، در عهد قدیم پنهان است.
 (۲) عهد قدیم و عهد جدید، بی‌ارتباط هستند.
 (۳) عهد قدیم، جنبه اخلاقی و عهد جدید جنبه ایمانی دارد.
 (۴) از طریق عهد قدیم، می‌توان به عهد جدید راه یافت.
- ۳۶- اریگن، برای کتاب مقدس، سه معنا قائل است، آن سه کدامند؟
 (۱) ظاهری، عرفانی، معنوی
 (۲) ظاهری، اخلاقی، تاریخی
 (۳) عرفانی، تاریخی، عقلانی
 (۴) ظاهری، اخلاقی، معنوی
- ۳۷- هسته مرکزی «هستی‌شناسی» لائوتزو و جوانگ تزو، چیست؟
 (۱) حقیقت هستی رویا است.
 (۲) حقیقت هستی شانگ‌تی است.
 (۳) حقیقت هستی خائوس است.
 (۴) حقیقت هستی تاوئی متعین است.
- ۳۸- از نظر کنفوسیوس، اجرای چونگ و شو به معنای اجرای چیست؟
 (۱) جن (۲) لی (۳) یی (۴) چی
- ۳۹- کدام یک دین و شعر را مبین تخیل انسانی می‌داند؟
 (۱) موتزو (۲) هسون تزو (۳) منسیوس (۴) کنفوسیوس
- ۴۰- لائوتزو، انسانی را که به شناخت خود نائل آمده است، چه می‌نامد؟
 (۱) کامل (۲) باهوش (۳) به تانو رسیده (۴) اشراق یافته
- ۴۱- از نظر منسیوس، روش پرورش روحیه بزرگ دو جنبه دارد، آن دو کدامند؟
 (۱) هماهنگی با طبیعت - نوع دوستی
 (۲) درک تاو - تشخیص خطا و صواب
 (۳) درک تاو - تشخیص خطا و صواب
 (۴) درک تاو - گردآوری پرهیزگاری
- ۴۲- درباره شأن والای حضرت موسی (ع) نسبت به انبیاء دیگر بنی‌اسرائیل، موسی بن میمون، کدام مشخصه‌ها را برای حضرت موسی قائل است؟
 (۱) میقات، پیشگوئی، بستن عهد
 (۲) واقعه خروج، دریافت الواح، دیدار خدا در رويا
 (۳) مواجهه رو در رو با خدا، بستن عهد، دریافت شریعت
 (۴) مواجهه رو در رو با خدا، نزول کتاب، دریافت شریعت
- ۴۳- «اعتقادنامه سنتی یهودیان» در ۱۳ اصل اعتقادی، توسط کدام جریان یهودی و در کجا مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به ۱۳ اصل و معیار وفاداری در قالب اصول اخلاقی، تعریف شد؟
 (۱) یهود اصلاحگر - آلمان
 (۲) یهودیان محافظه‌کار - لهستان
 (۳) نهضت بازسازی خواهان - آلمان
 (۴) نهضت بازسازی خواهان - آمریکای شمالی

- ۴۴- الیاس ویلنایی، «علم الیقین» خود را از کدام طریق به دست آورده و طریقت او به چه چیزی معروف است؟
 (۱) نماز - حسیدیم
 (۲) فیض الهی - قرائیم
 (۳) تفکر در طبیعت - قرائیم
 (۴) مطالعه تورات - حسیدیم
- ۴۵- آرای موسی بن میمون، در کدام مورد، کاملاً تحت تأثیر روش عقلانی وی بوده و تفسیری در مخالفت با دیگر اندیشمندان یهودی قرون وسطا، ارائه داده است؟
 (۱) ایمان، وحی، نبوت
 (۲) نفی خلقت، معجزه، نبوت
 (۳) ایمان، معجزه، جشن‌های یهودی
 (۴) نفی خلقت، شریعت، جشن‌های یهودی
- ۴۶- کدام مطلب در مورد سعدیا، درست است؟
 (۱) مانند متکلمان، اصل غلیت را منکر بود.
 (۲) او به آفرینش از عدم و در زمان، اعتقاد نداشت.
 (۳) دستوره‌های وحیانی را خالی از عنصر عقل می‌دانست.
 (۴) تفاوت میان عقل و ایمان را در روش آن دو می‌دانست.
- ۴۷- یکی از آگمه‌ها (منابع شیواپرستی)، که معتبرترین مجموعه مقدس شیوائیزم است و اعتبار وادها را نیز پذیرفته، کدام است؟
 (۱) کامیکا
 (۲) وینایه
 (۳) دارشنا
 (۴) آدی‌گرت
- ۴۸- کدام عبارت، دیدگاه مشترک زردشتی (به دین) و زروانی را نشان می‌دهد؟
 (۱) در هر دو صورت دین، اهوره مزدا، آگاه مطلق و قادر مطلق است.
 (۲) در هر دو صورت دین، اهریمن ته تنها درکی خلاق دارد، بلکه حاکمیت بلامنازع بر جهان هم دارد.
 (۳) در هر دو صورت دین، دومینوی همزاد نه بالفطره بلکه به انتخاب خود به بدی و خوبی می‌گرایند.
 (۴) به دین و بدعت‌گزاران زروانی، هر دو آفرینش را به‌عنوان کرانمندی زمان و فضای بی‌کرانه می‌پنداشتند.
- ۴۹- کدام مورد، از متون پهلوی است که در آن از روی مکاشفه، حوادث جهان پیش‌گویی شده است؟
 (۱) وجرکرد دینی
 (۲) یادگار جاماسی
 (۳) زند و همن یسن
 (۴) ارداویرافنامه
- ۵۰- کدام مورد، از مکاتب فلسفی هند است که جایگاه رهایی و آزادی انسان را نه دستیابی به معرفت ناب می‌داند و نه رسیدن به برکت، بلکه آن را عبارت از رسیدن به وضعیت بی‌کیفیتی محض می‌داند؟
 (۱) نیایه
 (۲) مادیمیکه
 (۳) وایششیکه
 (۴) دوایته دوایته
- ۵۱- کدام مورد، یشتی است که به ایزد عدالت تقدیم شده است و مهم‌ترین مطلب آن درباره انواع «وَر» است؟
 (۱) رشن یشت
 (۲) رام یشت
 (۳) گوش یشت
 (۴) بهرام یشت
- ۵۲- کدام‌یک از ایزدان مانوی بعد از شکست دادن دیوها، از تن آن‌ها آسمان و زمین و خورشید و ماه را ساخت؟
 (۱) بام ایزد
 (۲) مهر ایزد
 (۳) نریسه ایزد
 (۴) ایزد یسوع درخشان
- ۵۳- در باب یسنای هفت فصل، کدام عبارت درست است؟
 (۱) اهوره مزدا در یسنای هفت فصل، همکار میترا شمرده می‌شود.
 (۲) اهمیت دروغ و نیروی اهریمن در این بخش از اوستا بیشتر از گاهان نشان داده می‌شود.
 (۳) یسنای هفت فصل، مقدمات دینی لازم را برای شکل‌گیری مفاهیم گاهانی فراهم می‌کند.
 (۴) به هیچ‌وجه ذکری از دروغ و نیروهای اهریمن به‌میان نمی‌آید، برخلاف گاهان که همواره از دروغ سخن گفته می‌شود.

- ۵۴- کدام یک از سرودهای ودایی، موقعیت ابتدایی حیات را توصیف می‌کند؟
 (۱) ناسدیه، مندله دهم سرود ۱۲۹ (۲) پرچاپتی، مندله دهم سرود ۱۲۱
 (۳) ویشو کرمن، مندله دهم سرود ۸۲ (۴) پروشه سوکته، مندله دهم سرود ۹۰
- ۵۵- در سنت بودایی، به سرزمین برکت و سعادت چه می‌گویند؟
 (۱) شیلا (۲) دهرمه (۳) سوخاوتی (۴) تتهاگته
- ۵۶- کدام مورد، از اوپانیشادهایی است که بخشی از رویکرد آئین‌گرایانه براهمنه‌ای را در خود حفظ کرده است؟
 (۱) کته اوپانیشاد (۲) آرنیکه اوپانیشاد
 (۳) چاندوگیه اوپانیشاد (۴) شوتا شوتره اوپانیشاد
- ۵۷- کدام مورد، از کتب مقدس مکتب ویشنویزم است که چکیده آموزه‌ها و آئین‌های مربوط به خدمات معبد را دربردارد؟
 (۱) آگمه‌ها (۲) رامایانه (۳) پورانه (۴) ایتی‌ها‌سا
- ۵۸- مجموع دعاهایی که مجمع کبیر در دوره دوم معبد تألیف نمود، چه نام داشت؟
 (۱) شموونه (۲) تفیلا (۳) تفلین (۴) مینحا
- ۵۹- بخش قداشیم میشنا، به‌طور کلی به احکام مربوط به کدام مورد اختصاص دارد؟
 (۱) شمیط و بیکوریم (۲) معبد و قریانیان
 (۳) تعهدات و مجازات (۴) روز شبات و ایام روزه
- ۶۰- کدام مورد انبیا را از حکما، متمایز می‌سازد؟
 (۱) انبیا واقع‌گرا و حکما آرمان‌گرا بودند.
 (۲) انبیا فاقد احساسات تند و حکما سرشار از شور و اشتیاق بودند.
 (۳) سخنان انبیا همچون کلام واعظی زبان آور، اما سخنان حکما همچون کلام آموزگاری خردمند بود.
 (۴) وظیفه انبیا شناساندن راه معرفت به خدا و وظیفه حکما نشان دادن چگونگی کاربرد این معرفت در قلمرو حیات و عمل مؤمنان بود.
- ۶۱- از دیدگاه ترمذی، کدام مطلب درباره «منشأ و امکان تبدیل کیفیات منفی به مثبت»، درست است؟
 (۱) تبدیل کیفیات منفی به مثبت ممکن نیست.
 (۲) تبدیل کیفیات منفی به مثبت، ممکن و منشأ آن نفس است.
 (۳) تبدیل کیفیات منفی به مثبت، ممکن و منشأ آن قلب است.
 (۴) تبدیل کیفیات منفی به مثبت، ممکن و منشأ آن عقل است.
- ۶۲- کدام عبارت در مورد «عطایای ذاتی»، درست و مناسب‌تر است؟
 (۱) عطایایی است که مبدأ آن اسماء فعل و یا صفت الهی است.
 (۲) عطایایی که مبدأ آن ذات بدون اعتبار، صفتی از صفات الهی است.
 (۳) عطایایی است که مبدأ آن ذات به اعتبار صفتی از صفات است.
 (۴) عطایایی است که مبدأ آن ذات الهی بدون اعتبار صفات الهی است و در عین حال به‌واسطه اسماء و صفات الهی حاصل می‌گردد.

- ۶۳- «نفث» در عرفان، به کدام معنا است؟
- (۱) دمیدن به آرامی
 - (۲) دمیدن روح در جسد
 - (۳) استعاره‌ای از القاء علوم وهیبه و عطایای الهی از سوی حق
 - (۴) تعیین نفس رحمانی به صورت مظهري از مظاهر اسماء الهی
- ۶۴- تعبیر قرآنی «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» در عرفان، به چه چیزی تأویل و تفسیر می‌گردد؟
- (۱) اسماء الهی
 - (۲) اعیان ثابتة
 - (۳) اعیان خارجی
 - (۴) ثابتات ازلی
- ۶۵- کدام عبارت درباره «فیض اقدس»، درست و مناسب‌تر است؟
- (۱) تجلی حبی ذاتی
 - (۲) تجلی به حسب اسم الاول و الباطن
 - (۳) تجلی عینی به حسب اسم الآخر و الظاهر
 - (۴) تجلی حبی ذاتی به حسب اسم الاول و الباطن
- ۶۶- نسبت آدم و عالم در عرفان، کدام است؟
- (۱) آدم روح عالم و عالم به منزله جسد آن است.
 - (۲) دو حقیقت متباین‌اند، که هر کدام به نحو مستقل از روح و جسد برخوردارند.
 - (۳) آدم و عالم، دو اعتبار متغایر و در حقیقت یک چیزند، لذا تعبیر روح و جسد درباره آن دو مجاز است.
 - (۴) عالم، روح و حقیقت متجلی در آدم است و از این رو آدم، صورت و جسد عالم به حسب مرتبه جزئی خویش است.
- ۶۷- مراد از «اسم الاسم» چیست؟
- (۱) لفظی است که دلالت بر صفات الهی دارد و نه ذات حق.
 - (۲) ذات حق مأخوذ با تعین مرتبه‌ای از مراتب صفات الهی است.
 - (۳) لفظ دال بر ذات الهی از حیث تعین به حسب صفتی از صفات الهی است.
 - (۴) حقیقتی است در مقام تجلی و ظهور که ذات مطلقه را حکایت می‌کند.
- ۶۸- نسبت مشیت الهی با اراده حق، چیست؟
- (۱) مشیت به حسب تعریف و کارکرد، عین اراده است.
 - (۲) مشیت، اخص اراده و تنها به اعدام اشیاء تعلق می‌گیرد.
 - (۳) مشیت، اخص از اراده و تنها به ایجاد اشیاء تعلق می‌گیرد.
 - (۴) مشیت، اعم از اراده و به ایجاد و اعدام اشیاء، هر دو تعلق می‌گیرد.
- ۶۹- علت غایی آفرینش عالم در عرفان، چیست؟
- (۱) رؤیت الهی نسبت به ذات خویش، در آینه وجود حقیقت انسان است.
 - (۲) خلق موجودات، مستعد وجود به حسب جود و فیاض ذاتی حق است.
 - (۳) رؤیت الهی نسبت به ذات خویش، در آینه وجود حقایق تفصیلی عالم است.
 - (۴) رؤیت الهی نسبت به ذات خویش، در مرتبه ذات به حسب صورت اسماء است.
- ۷۰- مراد از «کون جامع» در عرفان اسلامی، به‌ویژه عرفان محیی‌الدینی چیست؟
- (۱) روح محمدی (ص) است.
 - (۲) آدم ابوالبشر (ع) است.
 - (۳) حقیقت محمدیه (ص) است.
 - (۴) حقیقتی است که جامع اسرار الهی و حقایق عوالم مختلف است.

- ۷۱- کدام مطلب درباره «اسماء حسناى الهى»، درست است؟
 (۱) همان اسماء ملفوظه در کتاب و سنت است.
 (۲) همان اسماء متشأ اعیان ثابتة و خارجی است.
 (۳) همان اسماء کلیه هفت‌گانه از اسماء الهی است.
 (۴) همان اسماء احصاء در حدیث نبوی (۹۹ اسم) است.
- ۷۲- کدام عبارت در مورد «عبر العاشقین روزبهان بقلى»، درست است؟
 (۱) تلخیصی از سوانح العشاق احمد غزالی و شرح مفصل خود او
 (۲) تلخیصی از مقامات عشق دیلمی و شرح مفصل خود او
 (۳) شرح مفصل تمهیدات عین‌القضاة همدانی
 (۴) شرح مفصل عطف الالف دیلمی
- ۷۳- عبارت «علیکم بحفظ السراير فانه مطلع على الضمائر» به کدام مورد اشاره دارد؟
 (۱) مراقبه (۲) بصیرت (۳) علم خدا (۴) حفظ اسرار
- ۷۴- به نظر ابونصر سراج، در کتاب اللمع، فرق بین مؤمن و عارف، کدام است؟
 (۱) للعارف قلب و لیس للمؤمن قلب
 (۲) المؤمن ینظر بالله عزوجل و العارف ینظر بنورالله
 (۳) المؤمن ینظر بنورالله و العارف ینظر بالله عزوجل
 (۴) قلب العارف یضمن بالذکر و لایضمن العارف سواه
- ۷۵- عبارت «من صبر فی الله تعالی، فمرة یصبر على المکاره و مرة یعجز» اشاره به کدام مورد دارد؟
 (۱) متصبر (۲) صابر (۳) صبار (۴) صبور
- ۷۶- بیت: «از دوست پیام آمد کاراسته کن کار اینک ... مهر دل پیش آر و فضول از میان بردار اینک ...» از ابوسعید ابی‌الخیر، به ترتیب به چه چیزهایی اشاره دارد؟
 (۱) طریقت - حقیقت (۲) شریعت - طریقت
 (۳) شریعت - محبت (۴) شریعت - حقیقت
- ۷۷- از ویژگی‌های ابوالحسین نوری، استغراق در چیست؟
 (۱) فنا و علاقه به ورع
 (۲) بسط و علاقه به زهد
 (۳) قبض و علاقه به حفظ شریعت
 (۴) قبض و آسان‌گیری در شریعت
- ۷۸- فتوت، بدان‌گونه که نزد ملامتیان نیشابور تعلیم می‌شد، مخصوصاً به کدام مورد مبتنی بود؟
 (۱) اجتناب از ریا و التزام به صدق
 (۲) تحقیر نفس و التزام به صدق
 (۳) اجتناب از شهرت و التزام به زهد
 (۴) تحقیر دنیا و التزام به تقوی
- ۷۹- فیض کاشانی، در مسئله که یادآور بود و مسئله که متأثر از بود، مورد طعن و انکار متشرعه واقع شد.
 (۱) جواز غنا / ابن عربی / وحدت وجود / ملاصدرا
 (۲) جواز غنا / غزالی / وحدت وجود / ابن عربی
 (۳) کلام / خواجه نصیر / وحدت شهود / شاه نعمت‌الله ولی
 (۴) تمایلات عرفانی / ابوسعید ابی‌الخیر / تمایلات فلسفی / ملاصدرا
- ۸۰- بدایت و نهایت سیر سالک در رساله صغیر سیمرغ شیخ اشراق چیست؟
 (۱) طلب و بقا (۲) معرفت و بقا (۳) توبه و فنا (۴) معرفت و فنا

- ۸۱- عبارت «تکون أنت ذاک» به‌عنوان خطاب الهی در حق است. درست شبیه عبارت سانسکریت «Tat Tvam asi» اوباد نیشادها که خطاب به است.
- (۱) بایزید - وجود سالک
(۲) جنید - وجود مطلق
(۳) بایزید - وجود مطلق
(۴) ابوسعید ابی‌الخیر - وجود فانی
- ۸۲- کدام اثر سنایی در سفر روحانی به عالم آسمانی را، بیشتر از مابقی آثار وی، پیشرو کمدی الهی دانسته‌اند؟
- (۱) الاهی نامه
(۲) طریق‌التحقیق
(۳) حدیقه الحقیقه
(۴) سیرالعباد الی المعاد
- ۸۳- در کدام اثر، ردپای تأثیر افکار حکیم ترمذی را بر علمای صوفیه نمی‌توان یافت؟
- (۱) احیاء علوم الدین اثر غزالی
(۲) الفتوحات المکیه اثر ابن عربی
(۳) اواخر کتاب الروح اثر ابن قیم جوزیه
(۴) منازل السائرین اثر خواجه عبدالله انصاری
- ۸۴- ابن عربی، نماد تنزیه عقلی و تنزیه ذوقی را به ترتیب چه کسی می‌داند؟
- (۱) نوح - ادریس
(۲) ابراهیم - عیسی
(۳) نوح - آدم
(۴) ادریس - موسی
- ۸۵- به نظر ابن عربی، این هستند که وجود جهان یا همان عالم مخلوق را درخواست دارند.
- (۱) حق مطلق
(۲) اسماء حسنی
(۳) ذات احدیت
(۴) حق به‌لحاظ ذات مطلق
- ۸۶- بیت «عاشقم بر قهر و بر لطفش به جدّ ای عجب من عاشق این هر دو ضدّ»، از مثنوی مولوی، به کدام مورد اشاره دارد؟
- (۱) محبت
(۲) لطف
(۳) رضا
(۴) شوق
- ۸۷- در بیت: «در آ در وادی ایمن که ناگاه درختی گویدت آئی آنا الله»، مراد از «وادی ایمن» چیست؟
- (۱) طریق حق
(۲) حقیقت انسانی
(۳) طریق تصفیه دل
(۴) طریق آرامش دل
- ۸۸- آیه «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت»، به کدام مورد اشاره دارد؟
- (۱) تجلی رحیمی
(۲) رحمت امتنایی
(۳) تجلی خاص الهی
(۴) فیض مقدس
- ۸۹- در بیت: «یکی خط است ز اول تا به آخر بر او خلق جهان گشته مسافر»، مراد از «اول و آخر» به ترتیب، چیست؟
- (۱) مبدأ - معاد
(۲) عقل اول - مرتبه انسانی
(۳) عالم ملکوت - عالم ناسوت
(۴) عالم لاهوت - عالم ناسوت
- ۹۰- مقام «جمع جمع»، عبارت از چیست؟
- (۱) شهود خلق است قائم به حق
(۲) احتجاب از حق است به خلق
(۳) شهود حق است بی خلق
(۴) احتجاب از خلق است به حق

پروپوزیشن
برای
isipaper.org

پرفیسور
برند
isipaper.org